



مدیر حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۷ - شماره ۲۱ - پاییز ۱۴۰۳

- شرط التزام عام در پرتو رویه دیوان داوری ایکسید
امیرحسین یزدانی، ناصر علیدوستی شهرکی
 تحلیل حقوقی آراء صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دعاوی مرتبط با ایران
سیما عباسی، شهرزاد دربندی
 مخاصمات اسرائیل و حماس در آئینه حقوق بین‌الملل کیفری (۲۰۲۳ میلادی)
محمد بابایی، نوید زمانه قدیم، داوود علیزاده
 نقش سبک زندگی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی در پیشگیری از جرایم مرتبط با کووید-۱۹ از نظر کارشناسان در حقوق کیفری ایران
ایرج مروتی
 مدیریت ذخایر هیدروکربوری فرامرزی: همکاری به عنوان یک تعهد عرفی (با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دریاها در سال ۲۰۱۷ میلادی در دعوی غنا و ساحل عاج)
علی رضایی، سیدرسول طباطبایی مقدم
 حمایت کیفری از اطفال و نوجوانان در معرض خطر در حقوق ایران و لبنان
امین‌رضا بهار فلامرزی
 نحوه اداره اموال محجورین در حقوق ایران و ترکیه
سارا فرزادی مهر، محمدرضا حقیقی، اسماعیل عموری
 تحلیل و بررسی ماهیت جعله در نظام حقوقی ایران
امیرمحمد توکلی، محمدرضا عضدی، قاسم توکلی
 ماهیت و ابعاد حقوقی دستور موقت صادره از هیات حل اختلاف قراردادی وزارت نفت
شیدا غم افروز، محمدرضا افشاری، مهدی پیری
 حقوق سهامداران نهادی و سهامداران خرد در بازار سرمایه ایران
پریسا رضوان، علی زارع
 محدودیت‌های فعالیت نظامی کشورهای ثالث در منطقه انحصاری اقتصادی دولت ساحلی
محسن بهجتی
 فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
زهره السادات مکی، اسماعیل کشکولیان
 مبانی حقوقی تاسیس مدارس غیردولتی در ایران با تأکید بر نقش آموزش و پرورش بر پیشگیری از وقوع جرم
مینا دانش آموز، حکیمه ابوالحسنی
 مسیرهای دموکراتیک و استبدادی در آینده حقوق بین‌الملل
سعید بهبودی نژاد
 شهرهای هوشمند و حقوق تجارت بین‌الملل
آرام عباسپور جلالی
 آثار حقوقی هنجارهای آمره: آن‌کس که جعبه پاندورا را گشود آیا به پیامدش فکر نمود؟
سهیل گلچین
 رابطه میان تعهدات شفافیت و سرمایه‌گذاری خارجی در انرژی‌های تجدیدپذیر: تحقق نقش بالقوه موافقتنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری
یوسف اخلاقی
 سیاست کیفری ایران در قبال جرائم خاص نظامی نیروهای مسلح
یاسر شاکری



Legal Analysis of Opinions Issued by the International Court of Justice Regarding Lawsuits Related to Iran

تحلیل حقوقی آراء صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دعاوی مرتبط با ایران

Sima Abbasi

Master of International Law, Islamic Azad University, Tehran West Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

سیمای عباسی
کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
abasisimsim@gmail.com

Shahrooz Darbandi

Ph.D. Student of Public International Law at Islamic Azad University, Qeshm International Branch

شهرزاد دربندی
دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل قشم، قشم، ایران

shahrooz_d@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0002-9691-7010>

Abstract

The experiences gained after dealing with an international case are beneficial, what legal basis the lawsuit starts with and how long it will continue is only a part of these perceptions. By carefully examining the legal aspects of each case and their strengths and weaknesses, a deep understanding can be reached in this regard. In the case of the employees of the United States Embassy in Tehran, the goal of the United States in filing a lawsuit against Iran was not necessarily to secure the immediate release of the hostages, but to receive a ruling that would establish the legal legitimacy of its lawsuit and thereby increase the possibility of satisfying its final demand in the lawsuit. However, the International Court of Justice did not recognize the US attacks on Iran's oil platforms from the point of view of paragraph 1 of Article 20 of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights sand in the light of the rules of international law regarding the use of force as a justified measure to protect the interests of the United States and as a kind of illegal use. Considered a law of force. Withdrawing from the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights Treaty in order to remove the legal liability will not effect on the United States. This article, with the analytical-descriptive method, aims to examine all the cases in which the Islamic Republic of Iran was a party and examine their strengths and weaknesses.

Keywords: International Court of Justice, Analysis, Iran's Lawsuits, International Law, International Proceedings.

چکیده

تجرباتی که پس رسیدگی به یک پرونده بین‌المللی به دست می‌آید بسیار مفید و سودمند است، این که دعوی با چه مبنای حقوقی آغاز و تا کجا ادامه یابد تنها بخشی از این برداشت‌ها است. با بررسی دقیق ابعاد حقوقی هر پرونده و نقاط ضعف و قوت آن‌ها می‌توان به شناختی عمیق در این خصوص رسید. در قضیه کارکنان سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران، هدف آمریکا از طرح دعوی علیه ایران نه الزاماً تأمین فوری آزادی گروگان‌ها، بلکه دریافت حکمی بود که مشروعیت حقوقی دعوی خود را تثبیت کند و بدین طریق به امکان تأمین خواسته نهایی خود در دعوی بیافزاید. با این حال دیوان بین‌المللی دادگستری حملات ایالات متحده آمریکا به سکوهای نفتی ایران را از نقطه نظر بند اول ماده بیستم عهدنامه مودت و در پرتو قواعد حقوق بین‌الملل راجع به استفاده از زور اقدامی موجه برای حفاظت از منافع ایالات متحده آمریکا نشناخت و به نوعی استفاده غیرقانونی از زور قلمداد کرد. خروج از عهدنامه مودت به جهت رفع مسئولیت قانونی نیز برای ایالات متحده آمریکا تأثیری نخواهد داشت. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی در صدد آن است تا با بررسی دقیق تمامی پرونده‌هایی که یک طرف آن جمهوری اسلامی ایران بوده است، نقاط ضعف و قوت آن‌ها را بررسی نماید.

واژگان کلیدی: دیوان بین‌المللی دادگستری، تحلیل، دعاوی ایران، حقوق بین‌الملل، دادرسی بین‌المللی.

Received: 2024/04/10 - Review: 2024/06/22 - Accepted: 2024/08/02

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲

ارجاع:

عباسی، سیما؛ دربندی، شهرروز؛ (۱۴۰۳)، تحلیل حقوقی آراء صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دعاوی مرتبط با ایران، شماره ۲۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

دیوان بین‌المللی دادگستری یک محکمه قضایی بین‌المللی، یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد مستقر در شهر لاهه هلند، متشکل از پانزده قاضی و صلاحیت آن به جهت رسیدگی به دعاوی مطروحه به دو صورت ترافعی و مشورتی است. صلاحیت ترافعی که موضوع بحث ما را شکل می‌دهد شامل کلیه مواردی است که طرفین دعوی به آن رجوع می‌کنند و مبتنی بر رضایت کشورهای طرف دعوا است و وظیفه دیوان این خواهد بود که پیش از ورود به ماهیت اختلاف این امر را احراز کند مگر آن که طرفین دعوی نسبت به صلاحیت دیوان اعتراض نمایند. تعیین حدود صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بسته به رضایت کشورهای طرف دعوی است یعنی کشورها می‌توانند از قبول صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری به کلی خودداری کنند و در نتیجه دیوان نسبت به اختلاف آن‌ها فاقد صلاحیت خواهد بود. آراء ترافعی دیوان برای دولت‌های طرف دعوی از نظر حقوقی الزام‌آور است. ایران نیز با امضای منشور ملل متحد در تاریخ پنجم تیر ماه سال ۱۳۲۴ در سانفرانسیسکو به‌عنوان یکی از پنجاه و یک کشور شرکت‌کننده در این کنفرانس، اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را تأیید کرد.

دعاوی مرتبط با ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری زیاد نیست. نخستین آن در پنجم خرداد ماه سال ۱۳۳۰ که انگلستان بر سر ملی شدن صنعت نفت، علیه ایران اقامه دعوا کرد و در نهایت دیوان نیز در سی و یکم تیر ماه ۱۳۳۱ خود را فاقد صلاحیت رسیدگی به دعوا دانست و دولت انگلستان را طرف قرارداد نفتی

با ایران نشناخت، به وقوع پیوست. بار دوم ایالات متحده آمریکا در خصوص قضیه سفارت خود در تهران، در آذر ماه سال ۱۳۵۸ علیه ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایتی را ثبت کرد. سومین بار، پس از حمله موشکی ناو هواپیمابر وینسنس ایالات متحده آمریکا به هواپیمای مسافربری ایرباس ایرانی در دوازدهم تیر ماه ۱۳۶۷ بر فراز خلیج فارس که منجر به کشته شدن تمامی دوستان و نود مسافر و خدمه آن شد، ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت برد اما این بار نیز پیش از رسیدگی به موضوع در دیوان بین‌المللی دادگستری، ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که حاضر به پرداخت غرامت است و چندی بعد مبالغی بابت هواپیمای سرنگون شده و قربانیان حادثه پرداخت کرد.

ایران علاوه بر این در موارد دیگری نیز علیه ایالات متحده آمریکا به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرده است از جمله حملات ناوهای آمریکایی به سکوهای نفتی رشادت، رسالت، سلمان و نصر در خلیج فارس، اختصاص بیست میلیون دلار به عملیات جاسوسی و براندازی علیه ایران و طرح تحریم تجاری ایران موسوم به قانون داماتو که دیوان بین‌المللی دادگستری پس از یازده سال در آبان ۱۳۸۲ پرونده مربوط به حمله بین‌المللی دادگستری آمریکا به سکوهای نفتی ایران را بار دادخواست کشورمان، مختومه اعلام کرد.

۱- پرونده شرکت نفت ایران-انگلستان در دیوان بین‌المللی دادگستری

در سال ۱۲۸۰ امتیاز اکتشاف و استخراج نفت ایران برای مدت ششصد سال به شخصی انگلیسی به نام ویلیام ناکس دارسی واگذار شد که در این توافقنامه هجده ماده‌ای برای حل و فصل مسألت‌آمیز اختلاف، داوری پیش‌بینی شده بود. حدود سی سال بعد دولت ایران این سند را ملغی نمود و در پی آن دولت انگلستان برای احقاق حقوق خود در راستای اعمال حق دیپلماتیک به شورای جامعه ملل شکایت برد. پیش از آن که جامعه ملل در این خصوص اظهارنظر کند در سال ۱۳۱۲ طرفین در خصوص تنظیم قرارداد جدیدی به توافق دست یافتند که مبنای شکایت دولت انگلستان از ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری همین توافق بیست و هفت ماده‌ای جدید بود. در این توافق جدید عنوان شده بود که دولت ایران نباید امتیاز موضوع قرارداد را لغو نماید^۱ (آقایی و آقایی، ۱۳۹۳، ۹).

پس از گذشت نزدیک به دو دهه و برخلاف ترتیبات موجود در این قرارداد مجلس شورای ملی و

۱- (بند دوم ماده ۲۱ آن).

پس از آن مجلس سنا در تاریخ‌های بیست و پنجم اسفند ماه سال ۱۳۲۹ و بیست و نهم اسفند ماه همان سال با تصویب ماده واحده‌ای رسماً صنعت نفت ایران را ملی نمودند. در تاریخ پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ با تهیه قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت مقدمات اجرایی این موضوع را فراهم نموده و تنها دو روز پس از آن در تاریخ هفتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ قانون نه ماده‌ای تحت عنوان قانون خلع ید به تصویب رسید. این موضوع با اعتراض دولت انگلستان در همان روز همراه شد اما فایده‌ای نداشت.

اقدامات دولت انگلستان در حل و فصل این موضوع به نتیجه نرسید و متعاقب آن دولت انگلستان در تاریخ پنجم خرداد ماه سال ۱۳۳۰ اقدام به طرح دعوی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری کرد. دولت انگلستان در واقع به جهت اعمال حق خود در حمایت دیپلماتیک از تبعه خویش در قبال دولت دیگر و با استناد به اعلامیه‌های پذیرش صلاحیت اجباری دیوان، دادخواست خود را نزد دیوان به ثبت رسانیده بود. دولت انگلستان علاوه بر این اقدام، با استناد به ماده ۴۱ اساسنامه دیوان و ماده ۶۱ آئین دادرسی آن در تاریخ سی و یکم خرداد ماه سال ۱۳۳۰ از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای صدور دستور موقت در این خصوص نمود. موضع دولت ایران در قبال این موضوع طی تلگرافی به اطلاع و نظر دیوان بین‌المللی دادگستری رسید.

ایران اعلام کرد که نظر به عدم صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی به دعوی اصلی، نخست به دلیل عدم اهلیت خواهان (شرکت نفتی) و دوم به دلیل آن که حقوق حاکمیتی دولت‌ها و اعمال این حقوق اصولاً قابل ارزیابی و اظهار نظر قضایی در محاکم بین‌المللی نیست، دیوان باید درخواست صدور دستور موقت را نیز رد نماید. نهایتاً دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست صدور دستور موقت انگلستان را قبول^۲ و از طرفین خواست تا دست به اقداماتی نزنند که اختلاف فوق را تشدید نماید. پاسخ ایران به صدور این دستور موقت این بود که اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری خود را از دیوان بین‌المللی دادگستری مسترد و تا پایان جریان دادرسی نیز هرگز دستور دیوان بین‌المللی دادگستری را رعایت نکرد. دولت انگلستان متعاقب این موضوع، مسئله را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح کرد اما شورای امنیت سازمان ملل متحد تصمیم گرفت تا پایان بررسی دیوان بین‌المللی دادگستری در این خصوص اقدامی انجام ندهد.

۲- احراز امکان رسیدگی به درخواست دستور موقت از سوی دیوان هیچ تأثیری بر مسئله صلاحیت آن نهاد به جهت رسیدگی در ماهیت دعوی نخواهد داشت. گرچه دو تن از قضات دیوان (وینارسکی و پاشا) با این تصمیم دیوان مخالف بودند.

با شروع رسیدگی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری، ایران در تاریخ بیست و یکم بهمن ماه سال ۱۳۳۰ در قالب سندی (با عنوان ملاحظات مقدماتی: ردشناسایی صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری از نظر ایران) نسبت به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری ایراد وارد نمود. یکی از دلایلی که دولت ایران به آن استناد نمود تفسیر خود از بند هفتم ماده ۲ منشور ملل متحد مبنی بر منع مداخله در اموری که ذاتاً در صلاحیت داخلی دولت‌ها است، دانسته شد. از طرفی چون دولت انگلستان در بین قضات دیوان بین‌المللی دادگستری دارای یک نماینده بود، ایران اقدام به معرفی دکتر کریم سنجابی، استاد دانشگاه تهران به‌عنوان قاضی موقت نمود. نهایتاً پس از رد و بدل شدن چندین لایحه بین دو دولت، دیوان بین‌المللی دادگستری در تاریخ سی و یکم تیر ماه سال ۱۳۳۱ خود را فاقد صلاحیت رسیدگی به دعوی دانست و دولت انگلستان را طرف قرارداد نفتی با ایران ندانست.

۲- قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده آمریکا در ایران

در تاریخ سیزدهم آبان ماه سال ۱۳۵۸ عده‌ای از دانشجویان ایرانی سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران را اشغال نمودند. به دنبال آن ایالات متحده آمریکا دادخواستی به طرفیت جمهوری اسلامی ایران با موضوع اشغال سفارتش در تهران و کنسولگری‌هایش در تبریز و شیراز در دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت کرد و به مسئولیت بین‌المللی ایجاد شده برای ایران اشاره کرد. پیرو این اتفاقات، نخستین دعوی ایران و ایالات متحده آمریکا در تاریخ هشتم آذر ماه سال ۱۳۵۸ در دبیرخانه دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت شد و ایالات متحده آمریکا خواستار صدور دستور موقت در این خصوص شد.

خواسته ایالات متحده آمریکا این بود تا دیوان بین‌المللی دادگستری قصور در پیشگیری از اقداماتی که به گروگان‌گیری منتهی شده و همچنین مجازات گروه مرتکب را مورد بررسی قرار دهد، چرا که طبق بند چهارم ماده ۲ عهدنامه مودت^۳، اتباع هریک از طرفین معاهد در قلمرو طرف معظم متعاقد دیگر از حد اعلای حمایت و امنیت برخوردار خواهند بود، همچنین مطابق بند دوم ماده ۲۳ آن شهربانی یا دیگر مقامات محلی بدون موافقت صاحب‌منصبان کنسولی، وارد ادارات کنسولی نخواهند شد مگر درخصوص

۳- عهدنامه مودت مضمن تعهداتی در حمایت از اتباع و شرکت‌های دو دولت در زمینه واردات و صادرات، نقل و انتقالات پولی، رعایت حقوق و منافع مکسبه و منع رفتار تبعیض‌آمیز و همچنین آزادی تجارت است و از آن جمله معاهداتی است که در آن ذکر گردیده است که در صورت به توافق نرسیدن دو طرف در مسائل به‌صورت مسالمت‌آمیز مسئله را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهند داد (بند دوم ماده ۲۱). پس دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت موضوعی رسیدگی به دعاوی مربوط به دول ایران و ایالات متحده آمریکا را داراست.

حریق یا موارد دیگر یا هرگاه مقامات محلی به دلایل احتمالی متوجه آن شوند که جنایتی در اداره کنسولی واقع شده یا در شرف وقوع است، در آن صورت چنین تصور خواهد شد که با ورود مامورین مذکور موافقت شده است. در هیچ موردی مقامات شهربانی یا مقامات محلی دیگر اوراقی را که در آنجا سپرده شده است، معاینه یا ضبط نخواهند کرد.^۴

ایالات متحده آمریکا با استناد به عدم رعایت عهدنامه مودت توسط ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت خود را تسلیم کرده است و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رای نهایی خود بر صحت و لازم‌الاجرا بودن این ماده‌ها صحه گذاشته است. جمهوری اسلامی ایران در هیچ یک از جلسات شرکت نکرد و تنها با ارسال دو نامه در تاریخ‌های هجدهم آذر ماه^۵ و بیست و ششم اسفند ماه سال ۱۳۵۸ عقیده داشت که دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌تواند و نباید به این دعوی رسیدگی کند چرا که این موضوع جزئی از یک رابطه کلی است و نمی‌تواند مستقل از آن بررسی شود. گروگان‌گیری تنها بازتاب مسائلی است که طی چند سال بر روابط ایران و ایالات متحده آمریکا سایه افکنده و بر همین مبنا نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. موضوع دیگر که ایران به آن اشاره داشت این بود که دیپلمات‌های امریکایی خود دچار تخلف از حیث وظایف قانونی خود شده‌اند و اقدام به جاسوسی نموده‌اند.^۶ اتفاقاتی از قبیل کودتای بیست و هشتم مرداد ماه سال ۱۳۳۲ ایران با طراحی و اجرای سازمان جاسوسی ایالات متحده آمریکا، سرنگونی دولت قانونی دکتر محمد مصدق، بازگرداندن شاه به مسند قدرت و سایر مسائل که نتیجه مستقیم دخالت‌های ایالات متحده آمریکا است (آقایی، ۱۳۹۳، ۲۹).

دیوان بین‌المللی دادگستری که مطابق با ماده ۵۳ اساسنامه خود رسیدگی را درخصوص این پرونده شروع کرده بود، در تاریخ بیست و چهارم آذر ماه سال ۱۳۵۸ اقدام به صدور دستور موقت در این خصوص کرده و در پاسخ به جمهوری اسلامی ایران معتقد بود که هیچ یک از این موارد توجیه‌کننده حمله به سفارت نیست چرا که حقوق دیپلماتیک این امکان را فراهم کرده که در این موارد دولت میزبان

۴- همچنین نقض ماده‌های ۱۸ و ۱۹ عهدنامه مودت درخصوص حقوق اماکن کنسولی.

۵- دولت ایران در قسمتی از این نامه بیان می‌کند که دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌تواند و نباید به دعوای ایالات متحده آمریکا که محدود به مسئله گروگان‌ها شده است رسیدگی کند، برای این که این مسئله تنها جنبه حاشیه‌ای و ثانوی یک مسئله بزرگ‌تر است و نمی‌تواند جداگانه بررسی شود و آن عبارت است از بیش از بیست و پنج سال مداخله مستمر در امور داخلی ایران توسط ایالات متحده آمریکا، استثمار بی‌شرمانه کشورمان و جنایات بی‌شماری که علیه ملت ایران برخلاف ضوابط انسانی و بین‌المللی انجام شده است.

6- Iran's Letter to ICJ, 1980, P.14.

روابط سیاسی خود را با دولت مقابل قطع و اعضای سیاسی وی را تحت عنوان عنصر نامطلوب اخراج کند. دیوان بین‌المللی دادگستری نهایتاً در تاریخ سوم خرداد ماه سال ۱۳۵۹ رای خود را در این خصوص صادر و مبنای صلاحیتی خود را برای رسیدگی به این پرونده کنوانسیون‌های وین مصوب ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ میلادی در خصوص روابط دیپلماتیک و کنسولی معاهده مودت، بازرگانی و حقوق کنسولی میان ایران و ایالات متحده امریکا مصوب ۱۹۵۵ میلادی قرار می‌دهد.^۷

دیوان بین‌المللی دادگستری در مقام رسیدگی به این قضیه ضمن تأیید تخلف ایران از بند چهارم ماده ۲ عهدنامه مودت اظهار می‌دارد که لازم بود ایران حمایت و ایمنی بیشتری را برای اتباع ایالات متحده امریکا در ایران فراهم آورد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رای صادره خود اعلام می‌نماید که ایران تعهدات خود را نسبت به ایالات متحده امریکا نقض کرده و همچنان نقض می‌نماید و نقض تعهدات از طرف دولت ایران موجب مسئولیت بین‌المللی این کشور است.^۸ دولت ایران باید هر چه زودتر اتباع محبوس امریکایی را آزاد و محل سفارت را از اشغال خارج کند، هیچ یک از کارکنان سیاسی و کنسولی ایالات متحده امریکا نباید محاکمه شوند یا به‌عنوان شاهد در دادرسی شرکت جویند^۹ (با اتفاق آراء) و نهایتاً ایران باید خسارت وارده بر ایالات متحده امریکا را جبران کند.^{۱۰} (دوازده رای موافق و سه رای مخالف).

همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص عملیات نظامی پنجم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ ایالات متحده امریکا در طیس (عملیات پنجه عقاب^{۱۱}) ضمن اعلام نگرانی در این خصوص آن را نوعی اختلال در کار دیوان بین‌المللی دادگستری دانست اما به علت این که مقوله‌ای خارج از موضوع دعوی بود اعلام کرد که رسیدگی به آن باید به‌صورت مستقل درخواست شود. نهایتاً با توجه به توافق دو کشور طبق بیانیه بیست و نهم دی ماه سال ۱۳۵۹ الجزایر، ایالات متحده امریکا با ارسال دو نامه در تاریخ‌های هفدهم

۷- ایران طبق ماده‌های ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون وین مصوب ۱۹۶۱ میلادی و ماده‌های ۵ و ۳۶ کنوانسیون وین مصوب ۱۹۶۳ میلادی، مسئولیت حفاظت از سفارت و کنسولگری‌ها، کارکنان، آرشو ایالات متحده امریکا و آزادی نقل و انتقال کارکنانش را در مقابل هرگونه حمله داشته است. به‌طور مثال در ماده ۲۷ این کنوانسیون آمده است که دولت پذیرنده حتی در صورت بروز منازعات مسلحانه، اماکن کنسولی و اموال پست کنسولی و بایگانی کنسولی را مورد حمایت و حفاظت قرار خواهد داد.

۸- سیزده رای موافق و دو رای مخالف.

۹- به علت نقض ماده ۳۱ کنوانسیون مصوب ۱۹۶۱ میلادی.

۱۰- نحوه جبران این خسارت را در صورتی که طرفین در مورد تعیین آن به توافق نرسند، دیوان معین خواهد کرد (چهارده رای موافق و یک رای مخالف).

فروردین ماه سال ۱۳۶۰ و یازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کرد تا دعوی را مختومه اعلام کند، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز هر دو نامه را به اطلاع مقامات ایرانی رساند اما پاسخی دریافت نکرد.

مشاهده می‌شود که عهدنامه مودت بعد از انقلاب اسلامی و با تغییر بنیادین اوضاع و احوال همچنان بر روابط دو طرف معاهده حکم فرما است و این موضوع باید در موارد مشابه نیز پابرجا باشد چرا که در رای صادر شده از دیوان بین‌المللی دادگستری مبرهن است که دیوان بین‌المللی دادگستری از موارد مندرج در مفاد این عهدنامه استفاده نموده و آن را مبنای رای خود قرار داده است. دیوان بین‌المللی دادگستری با صدور رای خود در این قضیه و با استناد به مفاد عهدنامه مودت قدرت الزام‌آوری عهدنامه را در مناسبات طرفین تأیید کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری خاطرنشان می‌کند که دولت ایران را نمی‌توان مستقیماً مسئول رفتار دانشجویان دانست، مگر آن که ثابت شود دانشجویان، خود عوامل دولت ایران هستند درحالی که این موضوع اثبات نشد، اما به هر حال دولت ایران به‌عنوان دولت پذیرا می‌باید قاعداً تریبیتی برای حفظ و حمایت از سفارتخانه اتخاذ می‌نمود، پس در این خصوص قصور دولت ایران مسلم و محرز شد. همچنین مقامات دولت ایران طبق مواد کنوانسیون‌های وین از تکالیفی که عهدنامه‌های جاری به عهده آن‌ها گذاشته‌اند، آگاهی داشته و می‌دانسته‌اند که باید از این قبیل تهاجمات ناروا جلوگیری به عمل آورند، ولی عالماً از انجام هرگونه اقدامی خودداری ورزیده‌اند.

درخصوص رای صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری ذکر چند نکته ضروری است. با توجه به صدور قرار موقت دیوان بین‌المللی دادگستری مطابق دادخواست ایالات متحده آمریکا و ذکر این نکته در بند ب ۱-۴۷ قرار که طرفین نباید اقدامی را انجام دهند که وضع موجود را تشدید نماید، اقدام نظامی ایالات متحده آمریکا در طمس ناقض این موضوع است اما دیوان بین‌المللی دادگستری تنها به ذکر این نکته اکتفاء کرد که اقدام نظامی ایالات متحده آمریکا مخل رسیدگی قضایی است. همچنین با توجه به اقدامات ایالات متحده آمریکا بر علیه ایران مانند تحریم‌های اقتصادی، مصادره اموال و دارایی‌های ایران بدون مجوز از شورای امنیت سازمان ملل متحد و حمله نظامی در طمس، درخواست جبران خسارت مادی از لحاظ حقوقی و اخلاقی صحیح نیست چرا که خود این اقدامات تماماً نقض قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل است. درحالی که دولت ایالات متحده آمریکا پیش از آن که به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع نماید، حساب‌های ایران را در بانک‌های آمریکایی یا شعبات بانک‌های خود در خارج از ایالات

متحده امریکا مسدود نمود و وقتی که دیوان بین‌المللی دادگستری جهت صدور رأی به شور نشسته بود به سلسله اقداماتی علیه ایران دست زد که اخلال در کار دیوان بین‌المللی دادگستری محسوب می‌گردد. به لحاظ حقوقی تا زمانی که دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به اصل جبران خسارت نظری اعلام نداشته، خواهان نمی‌تواند فرض نماید که تمام یا قسمتی از ادعاهایش از طرف دیوان بین‌المللی دادگستری پذیرفته شده و دارای اعتبار است.

۳- حمله ناو امریکایی به هواپیمای مسافربری ایرباس ایران در خلیج فارس

در مورخه دوازدهم تیر ماه سال ۱۳۶۷ یک فروند هواپیمای مسافربری ایران که از بندرعباس عازم دبی بود بر فراز آب‌های سرزمینی ایران هدف دو موشک هدایت‌شونده کروزمعلق به کشتی «یواس اس جک وینسنس» ایالات متحده امریکا قرار گرفت و منهدم شد. ایران در پاسخ به این اقدام ایالات متحده امریکا، دو واکنش از خود نشان داد، شکایت به ایکائو و ارجاع قضیه به دیوان بین‌المللی دادگستری.

مواردی که در شکایت به ایکائو مطرح شد شامل شناسایی صریح عمل نقض مقررات حقوق بین‌الملل، شناسایی این حقیقت که کشورهای عضو، مسئول اعمال جنایتکارانه ماموران خود هستند، حتی اگر در حیطه اقتدار خود عمل نکرده باشند، محکومیت صریح ایالات متحده امریکا برای استفاده از سلاح علیه هواپیمای مسافربری ایران، تشکیل کمیسیون فرعی برای بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی، تکنیکی و سایر جنبه‌های ساقط ساختن هواپیمای ایران ایر و گزارش به شورای ایکائو و از طریق آن به اجلاس فوق‌العاده مجمع برای پیش‌بینی اقدامات لازم جهت جلوگیری از تکرار حوادث مشابه. نماینده ایالات متحده امریکا در ایکائو به بهانه این که در آن روزها دو کشتی پاکستانی و لیبیایی مورد حمله قرار گرفته بودند سعی در توجیه اقدام کشور خود داشت. با این ادعا که در آن روز یک فروند جت جنگنده متعلق به جمهوری اسلامی ایران از فرودگاه بندرعباس پرواز کرده تا کشتی امریکایی را مورد هدف قرار دهد، پس از آن که اختراهای مکرر کشتی به هواپیمای جنگنده بی‌پاسخ مانده است، به جهت دفع خطر احتمالی اقدام به شلیک موشک کرده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ بیست و هفتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۷ دادخواستی را نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مبتنی بر اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای کنوانسیون ۱۹۴۴ میلادی هوانوردی کشوری بین‌المللی و کنوانسیون ۱۹۷۱ میلادی در خصوص ممنوعیت غیرقانونی امنیت هوانوردی کشوری

تنظیم نمود. این دادخواست پنج بخش را در بر می‌گرفت، تشریح واقعیت‌ها و حقایق مادی قضیه، تلاش‌های حقوقی بین‌المللی ایران و رفتار غیرمسئولانه ایالات متحده آمریکا پس از حادثه، بررسی مبنای صلاحیتی دیوان با توجه به اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و قواعد قراردادی حقوق بین‌الملل، تشریح قواعد و اصول حقوقی لازم‌الاجرا در این قضیه، درخواست ایران مبنی بر اعمال قواعد و اصول حقوق بین‌المللی بر واقعیات و حقایق مادی قضیه و نهایتاً موضوع جبران خسارت وارده. با این حال طرفین در مورخه سوم اسفند ماه ۱۳۷۴ نامه‌ای را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارسال و اعلام نمودند که دول متبوع شان مایل به ادامه دادن قضیه نیستند چرا که آن‌ها به تهیه و تنظیم موافقتنامه‌ای روی آورده‌اند که بر اساس آن اختلافات، تفاوت در دیدگاه‌ها و مسائل مستقیم یا غیرمستقیم را حل و فصل نمایند. با ارسال این نامه‌ها، موضوع از دستور کار دیوان بین‌المللی دادگستری خارج شد.

در این خصوص ذکر دو مسئله ضروری به نظر می‌رسد. نخست آن که در بحث صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در رسیدگی به اختلافات اعضاء، در صورت رضایت طرفین، قابل بررسی است و در صورت حل موضوع از جانب طرفین مخاصمه به روش‌های مسالمت‌آمیز دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت خود را برای رسیدگی به امر فوق‌الذکر از دست می‌دهد. دوم این که شاید بتوان توافق مذکور را ناشی از عهدنامه مودت دانست که در بند دوم ماده ۲۱ آن عنوان شده است که هرگاه طرفین موافقت نمایند که اختلافات فی‌مابین خود را به روش‌های مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک حل کرده و در غیر این صورت آن را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع می‌نمایند.

۴- قضیه تهاجم ایالات متحده آمریکا به سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس

اولین حمله به تأسیسات رشادت و رسالت در تاریخ هفدهم مهر ماه سال ۱۳۶۶ توسط چهار ناوشکن ایالات متحده آمریکا با پشتیبانی جنگنده‌های اف ۱۴ به مدت چهل و پنج دقیقه صورت گرفت که در اثر این تهاجم، استخراج نفت از این سکوها به‌طور کلی قطع شد. ایالات متحده آمریکا با این بهانه که موشک کرم ابریشم ایران به تانکر ایالات متحده آمریکا برخورد کرده است این اقدام را انجام داد اما ایران ضمن رد این ادعا، دولت عراق را مسئول این اقدام و حمله دانسته بود.

چندی بعد دومین حمله ایالات متحده آمریکا در تاریخ بیست و نهم فروردین ماه سال ۱۳۶۷ به وقوع پیوست. این بار سکوهای نفتی نصر و سلمان مورد تهاجم سه فروند کشتی نیروی دریایی ایالات متحده

امریکا قرار گرفت. ایالات متحده امریکا با یک اخطار چند دقیقه‌ای به پرسنل مستقر در سکوها برای ترک محل، با شلیک ده‌ها توپ و کار گذاشتن مواد منفجره، این دو سکو را منفجر و به‌صورت صد در صد تخریب کرد. این بار بهانه برای این اقدام، استفاده ایران از این سکوها به جهت مین‌گذاری در مسیر کشتی‌رانی بین‌المللی در خلیج فارس از سوی ایالات متحده امریکا اعلام شد که در اثر آن به یک کشتی امریکایی خسارت وارد و چند تن از خدمه آن کشته و زخمی شده بودند.

جمهوری اسلامی ایران در پی این اتفاقات نهایتاً با ارائه دادخواستی به دیوان بین‌المللی دادگستری در مورخه یازدهم آبان ماه سال ۱۳۷۱ بر علیه ایالات متحده امریکا شکایتی را مطرح کرد. ایران در متن دادخواست خود به دیوان بین‌المللی دادگستری عنوان کرد که دیوان بین‌المللی دادگستری، به موجب عهدنامه مودت صلاحیت رسیدگی به اختلاف و صدور حکم در مورد ادعاهای ارائه شده به وسیله ایران را دارا است. ایالات متحده امریکا نیز با حمله به سکوهای نفتی حقوق بین‌الملل و بند اول ماده ۱۰ عهدنامه مودت را نقض کرده است. نکته مهم در طرح این شکایت، نقش پررنگ عهدنامه مودت است که ایران با استناد به آن، خواستار رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری به موضوع شده است. جمهوری اسلامی ایران ادعاهای خود را بر مبنای ماده‌های ۱، ۴ و ۱۰ و صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری را بر مبنای ماده ۲۴ آن محرز دانسته بود.

متعاقب آن ایالات متحده امریکا نسبت به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری اعتراض کرد و دیوان بین‌المللی دادگستری از ایران خواست تا درخصوص این موضوع نظر کتبی خود را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارسال نماید. نهایتاً در تاریخ بیست و دوم آذر ماه سال ۱۳۷۵، دیوان بین‌المللی دادگستری با استناد به بند دوم ماده ۲۱ معاهده مودت^{۱۲} و بند اول ماده ۱۰ همین معاهده^{۱۳}، اعتراض ایالات متحده امریکا در این خصوص را رد کرد. بدین صورت ایالات متحده امریکا از حالت تدافعی حقوقی به موضع تهاجمی حقوقی تغییر وضعیت داد و لایحه متقابلی را ضمن رد ادعای ایران مطرح کرد. ایالات متحده امریکا نیز با تکیه بر عهدنامه مودت در لایحه خود عنوان کرد که ایران با حملات متعدد خود به کشتی‌های بی‌طرف و مین‌گذاری‌های وسیع در خلیج فارس و دیگر اقدامات نظامی در طول چهار سال

۱۲- هر اختلافی بین طرفین معظمین متعاهدین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه فعلی متعاهدین موافقت کنند که اختلاف به وسائل صلح-جویانه دیگری حل شود.

۱۳- بین قلمروهای طرفین معظمین متعاهدین آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود.

آزادی‌های مقرر و تضمین شده کشتیرانی و تجاری در خلیج فارس را به خطر انداخته و تعهداتی که در ماده ۱۰ عهدنامه مودت بود را نقض نموده است. همچنین از دیوان بین‌المللی دادگستری خواست تا ایران را مکلف کند تا به دلیل نقض تعهدات قراردادی غرامت کامل به میزانی که دیوان تعیین کند، به ایالات متحده امریکا بپردازد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در رای نهایی خود در تاریخ پانزدهم آبان ماه سال ۱۳۸۲ ابتدائاً اقدام نظامی ایالات متحده امریکا علیه چهار سکوی نفتی را با توجه به قواعد حقوق بین‌الملل در خصوص ممنوعیت استفاده از زور و اقدامی ضروری برای حفظ منافع و امنیت حیاتی ایالات متحده امریکا تشخیص نداد و سپس استدلال دولت ایران را مبنی بر این که آزادی تجاری بین قلمرو دو دولت، توسط ایالات متحده امریکا نقض شده است را نپذیرفت و درخواست دریافت خسارت وارده به سکوها^{۱۴} و قطع فعالیت اقتصادی^{۱۵} را رد کرد. از طرفی ادعای دولت ایالات متحده امریکا مبنی بر مین‌گذاری در آب‌ها و شلیک موشک از طرف ایران را رد و پرداخت خسارت توسط ایران را منتفی دانست. ایالات متحده امریکا که لویج خود را بر مبنای قاعده حقوقی دفاع مشروع تنظیم نموده بود با پاسخ رد از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری مواجه گردید.

دیوان بین‌المللی دادگستری ضمن رد استدلال ایالات متحده امریکا و با استناد به رویه قضایی خود در پرونده اقدامات نظامی و شبه نظامی علیه نیکاراگوئه و همچنین ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات اعلام کرد که هنگام تدوین معاهده مودت، قصد دو طرف مستثاء کردن اعمال قواعد حقوق بین‌الملل در هنگام استفاده از زور نبوده است، بنابراین، اقدامات نظامی صورت گرفته از سوی ایالات متحده امریکا در تخریب سکوهای نفتی را باید با توجه به تفسیر بند اول ماده ۲۰ معاهده مودت و در پرتو قواعد عرفی و قراردادی حقوق بین‌الملل در خصوص حق استفاده از زور در مقام دفاع مشروع مورد بررسی قرار داد.

۱۴- ایران نتوانسته بود تأثیر تخریب سکوهای نفتی خود را بر تجارت و صادرات نفت خود برای دادگاه تبیین نماید. همچنین هنگام حمله ایالات متحده امریکا به سکوها به دلیل حملات مکرر دولت عراق و توقف فعالیت آن‌ها، هیچ نفتی از این دو سکو صادر نمی‌شد. ایران ادعا داشت که در حال بازسازی سکوها بوده اما دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام نمود که مدرکی دال بر این موضوع ارائه نشده است.

۱۵- دیوان بین‌المللی دادگستری معتقد بود که به موجب فرمان اجرایی دولت ریگان به شماره ۱۲۶۱۳ در سال ۱۹۸۷ میلادی با موضوع تحریم خرید نفت از ایران، تجارت نفت بین ایران و ایالات متحده امریکا به حالت تعلیق در آمده است و با توجه به آن که حمله به سکوها نفتی بعد از لازم‌الاجرا شدن این فرمان بوده است پس عملاً تجارتی بین دو دولت وجود نداشته است که با حملات ایالات متحده امریکا نقض شده باشد.

دیوان بین‌المللی دادگستری معتقد بود که ایالات متحده آمریکا مدارک کافی در جهت ضرورت حمله به سکوهای نفتی ارائه نکرده است و این اقدامات توسل به زوری است که فاقد شرایط لازم و ضروری حق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل است. ایراد بزرگ دیگری که در ادله ایالات متحده آمریکا وجود داشت، ادعای این موضوع بود که نیروی نظامی ایران در سکوهای نفتی حضور داشته و در حمله به کشتی‌های عبوری مشارکت داشته‌اند (سیفی، ۱۳۸۲، ۵۱).

۵- شکایت جمهوری اسلامی ایران به طرفیت ایالات متحده آمریکا به علت وضع تحریم‌ها

دولت ایران به خاطر اعمال مجدد تحریم‌های یک جانبه اقتصادی و تشدید اقدامات محدودکننده علیه دولت، ملت، شرکت‌های ایرانی و مغایرت آن با مفاد عهدنامه مودت میان دو کشور از ایالات متحده آمریکا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرد. ایران در تاریخ بیست و پنجم تیر ماه ۱۳۹۷ دو لایحه را به صورت هم‌زمان تقدیم به دیوان بین‌المللی دادگستری کرد. اولین لایحه در خصوص مسئولیت بین‌المللی ایالات متحده آمریکا به دلیل نقض عهدنامه مودت و دیگری درخواست از دیوان بین‌المللی دادگستری به جهت صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرای تحریم‌ها تا زمان صدور رای نهایی. در مقابل ایالات متحده آمریکا نیز با طرح ایرادات و اعتراضات صلاحیتی متعدد به جهت عدم ورود دیوان بین‌المللی دادگستری به ماهیت دعوی، سعی در جلوگیری از اقدام ایران را داشت.^{۱۶}

محور اصلی دفاعیات ایران در پاسخ به ایالات متحده آمریکا نیز مبنی بر مرتبط بودن موضوع اصلی دعوی با نقض مفاد عهدنامه مودت و بند مربوط به حل و فصل اختلافات آن، شمول عهدنامه بر آنچه ایالات متحده آمریکا اقدامات دولت‌های ثالث می‌نامد اما در واقع نام دیگری برای طرف‌های ثانویه و ناشی شدن دعوا از اقدامات غیرقانونی ایالات متحده آمریکا که ناقض مواد مختلف عهدنامه است و عدم قابلیت اعمال استثنائات ماده ۲ در مرحله صلاحیتی و بی‌ارتباط بودن ایرادات ایالات متحده آمریکا با اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری، بود.

نهایتاً دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص صلاحیت خود اعلام کرد که به اتفاق آراء ایراد مربوط

۱۶- محور استدلال ایالات متحده آمریکا به جهت زیرسوال بردن صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری شامل عدم ارتباط دعوی با عهدنامه مودت و ناشی شدن اختلافات از برجام، عدم ارتباط دعوی ایران با اقدامات ایالات متحده آمریکا، مرتبط بودن آن‌ها با اقدامات دولت‌های ثالث، خارج بودن از شمول عهدنامه دوجانبه مودت، ادعای سوءاستفاده از جریان دادرسی توسط ایران، وجود استثنائات ماده ۲۰ عهدنامه مودت راجع به ماده‌های شکایت‌پذیر و منافع اساسی ایالات متحده آمریکا و خارج بودن ادعای ایران از شمول عهدنامه بود.

به عدم ارتباط دعوی با تفسیر یا اجرای عهدنامه مودت رد می‌شود، همچنین به اتفاق آراء ایراد مرتبط با اقدامات راجع به معاملات بین ایران و یا اتباع و کشورهای ایرانی با کشورهای ثالث یا اتباع و کشورهای آنها رد و رسیدگی به آنها به مرحله ماهوی موکول خواهد شد و نهایتاً ادعای ایران به جهت رسیدگی به دعوی بر اساس عهدنامه مودت را مسموع تشخیص داد. ایالات متحده آمریکا پس از صدور دستور موقت، اعلام کرد که از عهدنامه مودت خارج خواهد شد اما باید گفت که این خروج هیچ تأثیری بر روی دستور موقت نخواهد داشت چرا که اولاً صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری بر پرونده همچنان پابرجا است، دوم این که اقدام به خروج عطف‌بماسبق نخواهد شد (اردشیرمقدم و همکاران، ۱۴۰۱، ۳۳۳۳). حتی پس از خاتمه عهدنامه مودت نیز در روابط طرف‌ها، هریک از آنها می‌توانند دعاوی‌ای را که منشاء و سبب ادعای آنها در زمان لازم‌الاجرا بودن عهدنامه ایجاد شده است در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نمایند (محبی و بذار، ۱۳۹۸، ۹۸).

نتیجه

پرونده دعوی نفتی ایران و انگلستان نخستین حضور ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری بود. ایران در ابتدا و در مرحله رسیدگی به درخواست صدور قرار موقت از حضور در دیوان بین‌المللی دادگستری امتناع کرد اما در مراحل بعدی رسیدگی حضور یافت و موفق شد تا با استدلال‌های دقیق و منطقی دیوان بین‌المللی دادگستری را متقاعد سازد که فاقد صلاحیت لازم به جهت رسیدگی به این دعوا است.

واکنش ایران در دومین مرتبه‌ای که به‌عنوان خواننده باید در دیوان بین‌المللی دادگستری حضور می‌یافت، یعنی پرونده مربوط به سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران، بسیار متفاوت با بار نخست بود چرا که ایران به نوعی دیوان بین‌المللی دادگستری را تحریم کرد. بدین صورت که از حضور در مرحله رسیدگی، درخواست صدور دستور موقت و حتی ورود به ماهیت دعوی خودداری کرد. اعتراضی نسبت به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری یا قابلیت استماع دعوی نداشت و حتی از اجرای رای دیوان بین‌المللی دادگستری خودداری کرد. در پرونده مربوط به شلیک موشک به هواپیمای ایرباس نیز پیش از آن که دیوان بین‌المللی دادگستری اقدام به رسیدگی کند با طرف امریکایی به توافق دست یافت و در قضیه مربوط به سکوهای نفتی با آن که به خواسته اصلی خود مبنی بر جبران خسارت وارده نرسید اما موفق شد ادعای ایالات متحده آمریکا مبنی بر اقدام به جهت اعمال دفاع مشروع را رد و دست ایالات

متحده امریکا در جهت رسیدن به جبران خسارت وارده به اموال خود را ناکام بگذارد. البته به نظر می‌رسد رای دیوان بین‌المللی دادگستری در این پرونده محصول یک دیپلماسی قضایی، نه الزاماً نادرست و به نوعی برقرارکننده تعادل مورد نظر در آن است.

همچنین با بررسی سه پرونده مهم بین دو طرف (قضیه سفارت، سکوهای نفتی و هواپیمای ایرباس) می‌توان نتیجه گرفت که در هر سه پرونده عهدنامه مودت از طرف دو کشور ایران و ایالات متحده امریکا مورد تأیید قرار گرفته و هر دو کشور بر اعتبار آن و لازم‌الاجرا بودن آن تأکید داشتند و در رای صادره توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در این سه پرونده نیز دیوان بین‌المللی دادگستری از مفاد مندرج در این عهدنامه برای صدور رای نهایی خود استفاده کرده و اعتبار آن را تصدیق نموده است. درخصوص دستور موقت صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد تحریم‌ها باید گفت که هرچند وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا بدون هیچ پیش‌شرطی اعلام کرده است که از معاهده مودت خارج شده، اما بر اساس ماده‌های ۵۵، ۶۰ و ۶۲ کنوانسیون وین، خروج، فسخ و یا تعلیق یک معاهده به ترتیب در شرایطی است که در اجرای آن معاهده شرطی محقق شود مانند کاهش کشورها، نقض ماهوی معاهده و همچنین تغییر در اوضاع و احوال زمان انعقاد آن. اما قابل توجه است که هیچ کدام از موارد فوق، در رابطه حقوقی بین ایران و ایالات متحده امریکا در جریان عهدنامه مودت اتفاق نیفتاد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- آقای، سیدداوود، ۱۳۹۳، بازخوانی پرونده کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران (دعوی ایالات متحده امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران)، **فصلنامه سیاست**، شماره ۱.
- آقای سیدداوود و آقای صدیقه سادات، ۱۳۹۳، بازخوانی پرونده شرکت نفت ایران-انگلیس در دیوان بین‌المللی دادگستری، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، شماره ۲۶.
- اردشیرمقدم، مهدیه؛ نژندی منش، هیبت‌الله؛ صلح‌چی، محمدعلی، ۱۴۰۱، اجرای دستور موقت دیوان

- بین‌المللی دادگستری با تأکید بر دستور موقت دیوان در پرونده نقض ادعایی عهدنامه مودت ایران - امریکا (۱۹۵۵)، **ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، شماره ۱۱.
- سیفی، سیدجمال، ۱۳۸۲، رأی دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه سکوه‌های نفتی دیپلماسی قضائی در دادرسی بین‌المللی، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۴.
- محبی، محسن و بذار، وحید، ۱۳۹۸، ارزیابی ایرادهای امریکا در مورد دستور موقت در قضیه نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت، **فصلنامه حقوق عمومی**، شماره ۱.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.21- Autumn 2024

The Procedure of Arbitration of ICSID about Umbrella Clause

Amirhosein Yazdani, Naser Alidoosti Shahraki

Legal Analysis of Opinions Issued by the International Court of Justice Regarding Lawsuits Related to Iran

Sima Abbasi, Shahrooz Darbandi

Conflicts between Israel and Hamas in the Mirror of International Criminal Law (2023 AD)

Mohammad Babaei, Navid Zamaneh Ghadim, Davood Alizadeh

The Role of Lifestyle and Adherence to Health Protocols in Preventing Crimes Related to COVID-19 According to Experts in Iranian Criminal Law

Iraj Morvati

Managing Transboundary Petroleum Deposits: Cooperation as a Customary Obligation

(with Emphasis on Final ICJ Award in 2017 between Ghana and Côte d'Ivoire)

Ali Rezaei, Sayyed Rasol Tabatabaei Moghaddam

Criminal Protection of Children and Adolescents at Risk in the Laws of Iran and Lebanon

Amin Reza Bahar Falamarzi

The Way of Managing the Property of Prisoners in Iranian and Turkish Laws

Sara Farzadi Mehr, Mohammadreza Haghighi, Esmail Amouri

Analyzing and Investigating the Nature of Reward in the Iranian Law System

Amir Mohammad Tavakoli, Mohammad Reza Azodi, Ghasem Tavakoli

Examining the Nature and Legal Dimensions of the Provisional Measures Issued by the Dispute Resolution Committee of the Ministry of Oil

Sheyda Ghamafroz, Mohammad Reza Afshari, Mehdi Piri

The Rights of Institutional Shareholders and Retail Shareholders in Iran's Capital Market

Parisa Rezvan, Ali Zare

Limitations on the Military Activity of Third States in the Exclusive Economic Zone of the Coastal State

Mohsen Behjati

Adoption in the Legal System of Iran and England

Zahra Makki, Esmail Kashkoulia

The Legal Basis of Establishing Non-governmental Schools in Iran, Emphasizing the Role of Education in Preventing Crime

Mina Daneshamooz, Hakimeh Abolhasani

Democratic and Authoritarian Paths in the Future of International Law

Saeid Behdoudi Nejad

Smart Cities and International Trade Law

Aram Abbaspour Jalali

The Effect of Jus Cogens Norms: Whoever Opened Pandora's Box, Did You Ever Think About the Consequences?

Soheil Golchin

The Relationship between Transparency Obligations and Foreign Investment in Renewable Energies: Realising the Potential Role of IIAs

Yusef Akhlaghi

Iran's Criminal Policy for Specific Military Crimes of the Armed Forces

Yasser Shakeri